



هفته نامه اندیشه

خواننده گرامی :

ما بر آنیم، تا این مسیر پریچ و تاب را با قلممان و عملمان ویا طرحی نو در اندازیم و در این راه یاری و کمک شما همکار گرامی را خواهانیم .انجمن فرهنگیان سخن مشترک



در این شماره

میخوانید :

.....

• خبر

خبر های ویژه معلمان با عنوان مهمترین اخبار در دو هفته ای که گذشت.

خبرنامه امیر کبیر ۱۳۸۶/۹/۲۳ :
بیانیه معلمان کامیاران در حمایت از فرزند کمانگر

• به راستی مقصر کیست ؟
.....

• مقاله

با استعفای فرشیدی چه تغییر حاصل شد ؟

.....

با استعفای فرشیدی چه تغییری حاصل شد ؟

ما معلمان بارها خواهان استیضاح این وزیر نالایق شدیم واز مجلس خواستیم که در بررسی استیضاح وزیر آموزش و پرورش، هرگونه ملاحظه کاری را کنار بگذارند و از حقوق فرهنگیان که از سوی مدیریت ناکارآمد آموزش و پرورش نادیده گرفته شده، دفاع کنند. ولی باید به جد گفت که حذف برخی موارد از استیضاح وزیر آموزش و پرورش جای تامل بسیار دارد .

استیضاح عملی نشد

بعدازظهر روز ۲۳ اسفند ۸۶ در حالی که دهها معلم در خیابانها بازداشت شده بودند، در برابر دهها خبرنگار فرشیدی خبر دستگیری معلمان را تکذیب کرد. در شرایطی که اکثر معلمان و همه فعالان صنفی و بسیاری از نمایندگان خواستار استیضاح و برکناری او بودند بار دیگر در اردیبهشت ۸۶ رئیس جمهور به ساختمان مجلس رفت و از عملکرد وزیر خود دفاع کرد رئیس جمهور در معرفی فرشیدی گفت: من حداقل ۱۵ نفر را برای تصدی این مسئولیت مورد بررسی قرار داده ام. فرشیدی عمر و زندگی خود را در این وزارتخانه سپری کرده است و يك عنصر فرهنگی است. سوال این جاست کسی که این چنین مورد احترام و اعتماد شخص رئیس جمهور بود چرا در شش ماه پیش از آن حمایت شد و مجلس به استیضاح آن رای نداد ؟ ولی به یکباره بعد از شش ماه استعفایش با این سرعت پذیرفته میشود . ادامه در صفحه ۶

طراحی لوگو : نادری

هیئت تحریریه : تیموری

پویان و امیری _ شهابی

خبر نگار : امیری و شهابی

«مهمترین اخبار در دو هفته گذشته»

کانون صنفی معلمان ۷

آذر ۱۳۸۶ گردهمایی

بزرگ کانونهای صنفی

معلمان

سراسر کشور در درون

کاخ مجلس برگزار شد.

امروز سه شنبه ۶/آذرماه/

۱۳۸۶ نمایندگان

تشکلهای سراسر کشور

به دعوت نمایندگان

جناحهای مختلف در درون

کاخ مجلس دور هم جمع

شدند، در این نشست که

بنابود نمایندگان همه ی

جناحها حضور داشته

باشند، تنها چند تن از

نمایندگانی که خود را

اقلیت اصلاح طلب مجلس

معرفی کردند.حاضر به

رویارویی با نمایندگان

معلمان کشور شدند.این

نشست که از هفته ها

پیش برنامه ریزی شده

بود با دوساعت تاخیر

بالاخره در ساعت ۱۴

برگزار شد.

در آغاز نشست که از ۴۰

تشکل سراسری تنها ۲۰

تشکل حاضر بودند، آقای

علی اکبر باغانی ۴موضوع

مورد بحث را که از پیش

برای دو طرف مذاکره

کننده مشخص بود به

شرح زیر به آگاهی

حاضران رساند. ۱- سهم

آموزش و پرورش در بودجه

کانونهای صنفی معلمان

و انتخابات مجلس هشتم

ایران ۷-۹ معلم تبعیدی به دو

ماه انفصال از خدمت

محکوم شد

سرمایه - پیمان نودینان معلم

تبعیدی به دو ماه انفصال از

خدمت محکوم شد.

شاهد علوی، عضو کانون

صنفی معلمان کردستان

درباره حکم نودینان گفت:

«دیروز حکم قطعی انفصال از

خدمت این معلم از سوی

هیات تخلفات اداری سازمان

آموزش و پرورش زنجان صادر

شد».

پیمان نودینان، عضو سابق

کانون صنفی معلمان کردستان

سال دوم تبعید خود را در

روستاهای زنجان می گذراند،

علوی در این باره گفت: «از

زمان تبعید ایشان به زنجان

عضویت شان در کانون صنفی

معلمان کردستان منتفی شده

است اما اکنون او در پی

شکایت هیات تخلفات اداری

سازمان آموزش و پرورش

کردستان به انفصال دو ماهه از

خدمت محکوم شده است.» او

ادامه داد: «اتهام نودینان

مشارکت در تجمعات معلمان

سنندج عنوان شده است در

صورتی که او در زنجان دوران

تبعید را می گذراند و تنها برای

دیدار با خانواده اش به سنندج

می آمده است.» به گفته این

صادر شده بود که پس از ۲- تبلیغ علیه نظام

فرجام خواهی او به دو ماه

انفصال از خدمت تقلیل یافت. قلم معلم بیان شده است.

نودینان در این دو ماه انفصال،

حقوقی از سازمان آموزش و

پرورش دریافت نمی کند و

اجازه حضور در کلاس درس را

نخواهد داشت.

۱۳۸۶/۹/۱۲ خبرگزاری ایرنا

: جمعی از اهالی کوی

فرهنگیان اهواز مقابل

شورای شهر تجمع کردند

«حدود ۶۰ نفر از اهالی کوی

فرهنگیان اهواز عصر دوشنبه

در اعتراض به تخریب تعدادی از

منازل اهالی توسط شهرداری

منطقه سه اهواز درحالی که

پارچه نوشته هایی در دست

داشتند مقابل ساختمان

شورای شهر اهواز تجمع کردند.

شعبه ۱۰۶ دادگاه جزایی

همدان به تحمل ۹۱ روز

حبس محکوم شدند. یوسف

زارعی، مجید فروزانفر،

جلال نادری، یوسف

رفاهیت، هادی غلامی، نادر

قدیمی، علی نجفی،

محمود جلیلیان و علی

صادقی فروردین امسال در

جریان اعتراضات صنفی

معلمان از سوی مأموران

امنیتی دستگیر و مدت ۹

روز در سلول انفرادی در

بازداشت بسر برده اند.

پرونده این فعالان صنفی با

شکایت ستاد خبری

۱- اقدام علیه امنیت کشور

اطلاعات همدان از سوی

“مهمترین اخبار در دو هفته گذشته”

دادرسی انقلاب همدان به دادگاه جزایی ارسال و شعبه ۱۰۶ به ریاست قاضی قادری نسب به استناد ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی و کیفرخواست صادره از دادگاه انقلاب هر یک از متهمین را به تحمل ۹۱ روز حبس با ایام بازداشت قبلی محکوم نمود. در حکم صادره اتهام این افراد تشویش اذهان عمومی از طریق تشویق سایر معلمان به اعتصاب غیرقانونی، تعطیلی مدارس، تجمع و تحصن غیرقانونی و نشر اطلاعات با توجه به گزارش اداره اطلاعات عنوان شده است. حکم در تاریخ پنجشنبه ۲۲ آذرماه ۸۶ به متهمین ابلاغ شده است. کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر». **خبرگزاری فارس ۲۷ آذرمدیر مجتمع نایبانیان شهید محبی در گفت وگو با فارس: اشتباه پیمانکاران عامل سقوط معلم نایبناست**

خبرگزاری فارس: مدیر

مجتمع نایبانیان شهید

محبی گفت: بر اساس

اظهار نظر کارشناس

حقوقی مخابرات، اشتباه

پیمانکاران موجب سقوط به

معلم زن نایبنا در چاله مخابرات است. سعید میری لواسانی در گفت وگو با خبرنگار اجتماعی فارس افزود: عصر یکشنبه گذشته معلم نایبانی در چاه مخابراتی در خیابان آیت الله کاشانی جنب اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران و مجتمع نایبانیان شهید محبی سقوط کرد.

وی اضافه کرد: این حادثه منجر به آسیب جسمی این معلم شد که بسیار حادثه ناراحت کننده ای برای قشر نایبانی کشور بود.

لواسانی اظهار داشت: تابستان سال ۸۵ نیز چنین اتفاقی برای یک دانش آموز دبیرستانی مجتمع نایبانیان شهید محبی افتاد که منجر به صدمه جسمی به وی شد.

وی افزود: بعد از آن حادثه از شرکت مخابرات شکایت کردیم و مقرر شد که این سازمان شرایط ایمنی را در هنگام کار رعایت کند تا دیگر شاهد وقوع چنین حوادثی نباشیم.

مدیر مجتمع نایبانیان شهید محبی گفت: کارشناس حقوقی مخابرات نیز روز گذشته در خصوص حادثه روی داده برای این معلم

عنوان کرد که پیمانکاران این بی دقتی را مرتکب شدند **۲۹ آذربرگزاری جلسه دادگاهی یک معلم فعال**

براساس گزارشها صبح روز چهارشنبه ۲۸ آذر ماه، جلسه رسیدگی به اتهامات "علی پورسلیمان" از بازداشت شدگان مقابل مجلس شورای اسلامی در اسفند سال ۸۵ در شعبه ۱۵ دادگاه اسلامی برگزار شد.

"محمدرضا فقیهی"، وکیل مدافع "علی پورسلیمان" گفت: اتهامات موکلم در این پرونده اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایمی بر ضد امنیت کشور، تمرد در برابر پلیس و برهم زدن نظم عمومی از سوی دادگاه عنوان شده است.

راستی مطالبات یعنی چه؟

همه ادعا می کنند ۹۵ درصد مطالبات فرهنگیان را پرداخته اند. من که معنی مطالبات را نمی فهمم.

گفت وگویی معلمان در زنگ تفریح مثل فریاد کشیدن است.

اما مدرسه پابرجاست.

معنای رفتن فرسیدی و آمدن علی احمدی به عنوان سرپرست وزارتخانه در سومین سال عمر دولت احمدی نژاد، برای فرهنگیان گنگ و نامفهوم است. بسیاری هم به این تغییرات کاملاً بی تفاوتند. جیرویدی معاون مدرسه می گوید: **«رفتن و آمدن وزیر تأثیری بر کار و زندگی ما ندارد. برای آنها که می خواهند مدیرکل و رئیس بشوند تغییر وزیر مهم است اما برای دبیر و آموزگار و دفتردار و معاون و مدیر مدرسه چه فرقی می کند. همه ادعا می کنند ۹۵ درصد مطالبات فرهنگیان را پرداخته اند. من که معنی مطالبات را نمی فهمم.**

موسیقی متن سخنان معلمان،

همهمه قطع نشدنی دانش آموزانی است که با صدای زنگ از قفس تنگ کلاس برای دقایقی آزاد شده اند. گفت وگویی معلمان در زنگ تفریح مثل فریاد کشیدن است. وزیران می آیند و می روند اما مدرسه پابرجاست.

خبرنامه امیر کبیر ۱۳۸۶/۹/۲۲: بیانیه معلمان کامیاران در حمایت از فرزاد کمانگر

کس. این مادری که همیشه می گفت: «داعیه دار زیاد دارد، اما فرزند دلسوخته و دلسوز کم.» او تنهایی و بیماری مادر خویش را فدای تنهایی و بیماری مام میهن کرد. فرزند تفکری را دوست داشت زیرا آن تفکر را می شناخت و سعی در گسترش آن داشت. اما هیچگاه به تفکر و گروهی دیگر توهین و بی حرمتی روا نمی داشت. زیرا فعالیت خویش را در انسانیت، آزادی و دموکراسی خلاصه کرده بود.

فرزاد متعهد و صادق بود به افکارش به ملتش و همین باعث شد که در شرایط سخت و امنیتی جامعه پنهان کاری نداشته باشد. بیان، قلم و رفتارش ساده و صمیمی و صریح و بی پرده بود. ترس و واهمه نداشت. زمان را تنیده بود. ثابت قدم و فداکار بود. انرژی غیر قابل تصویری داشت. اهل شعار نبود، شعور را سرلوحه کار و زندگی کرده بود. شلوغ بود اما شلوغ کاری نمی کرد. اهل عمل و پراکتیک بود. اگر چه گاهاً مواضع صریح و شفاف او باعث می شد، عده ای او را برنتابند. حتی با او نا مهران و به مجادله پردازند. اما زمان نشان داد که او عاشقی دلسوخته و کم نظیر است و هدف نهایش آزادی انسان و کردستان بود. فرزند ۱۴ سال غم معلم و معلم بودن را داشت. اگر چه خود معلمی راستین بود. اما همیشه به وضع موجود در میان معلمان و نظام آموزشی ایران نقدهایی جدی داشت. همیشه از ترس، فعال نبودن، و کم کاری اجتماعی معلمان می نالید. می گفت: «ما معلمان نباید دچار روزمرگی و یأس شویم. ما باید با مطالعه و کار و فعالیت جامعه را نیز به حرکت واداریم.» او هم مثل بسیاری از ما غم نان داشت. اما غم انسان بودن نگذاشت سکوت اختیار کند. حال ما جمعی از معلمان و فعالان فرهنگی کامیاران اینک بعد از ۱۷ ماه که از بازداشت فرزند کمانگر می گذرد و هنوز دادگاهی نشده و بلا تکلیف است. بدون هیچ ملاحظه کاری سیاسی و گروهی فقط به خاطر انسان بودن، راستی و صداقت فرزند از کار به دستان و مسئولان می خواهیم که هر چه سریعتر وی را از بلا تکلیفی به در آورده ما و خانواده اش را از نگرانی به در آورند و این خواسته ای انسانی و بر حق است. که ما از مسئولان و کار به دستان داریم. جمعی از فرهنگیان و فعالان فرهنگی شهرستان کامیاران».

جمعی از معلمان شهرستان کامیاران در حمایت از فرزند کمانگر، معلم شکنجه شده کرد، بیانیه ای صادر کردند. متن این بیانیه به شرح زیر است: اگر چه در کشور ما، کار جمعی و گروهی دشوار است. اما این بار ما فرهنگیان و فعالان فرهنگی کامیاران، می خواهیم از انسانی بگوئیم و بنویسیم که خود را فدای کار جمعی نمود و همیشه سعی داشت، فرهنگیان و فعالان عرصه فرهنگ و ادب را جمع نماید. فرزند کمانگر از مؤسسان و فعالان تأثیر گذار انجمن صنفی معلمان کامیاران بود. در تجمع ها، و سایر فعالیتهای این انجمن بسیار کوشا و از خود گذشته بود. بیشتر از آن به همراه چند نفر از دوستان خودش انجمن ناسک را برای فعالیتهای زیست محیطی و دفاع از سبز اندیشیدن و سبز زیستن پایه ریزی نموده بود. فرزند از پایه گذاران نشریه فرهنگی، ادبی، علمی رویان بود که اگر چه نشریه ای داخلی برای آموزش و پرورش کامیاران بود. اما بسیار زود توانست در میان دل بسیاری از خانواده های این منطقه و فراتر از آن جا بگردد. و همه اینها ناشی از تلاشی صادقانه بود که فرزند هم بخشی بسیار مؤثر در آن بود. اگر چه همین تلاشهای صادقانه و عدم وابستگی باعث بسته شدن نشریه و انجمن صنفی معلمان شد. اما او هیچگاه از تلاش و کوشش برای کار گروهی دست برنداشت. فرزند دلی سوخته و بیانی صریح و قلمی راستگو داشت و برآستی او یکی از فعالان جدی و مؤثر عرصه فعالیتهای مدنی، فرهنگی و صنفی کامیاران بود. در کار و فعالیت خستگی را نمی شناخت؛ عاشق کار بود. اگر چه کمتر کسی با او همدل و همراه بود، اما هیچگاه نا امید نمی شد. آرام و قرار نداشت تا بلکه بتواند جامعه را به آرام و قرار واقعی برساند. شب و روز را به فراموشی سپرده بود. زندگی عادی را کنار نهاده بود. نه مالی، نه زمینی نه پولی، هیچی را برای خود نمی خواست. زیرا خود را وقف خانواده و از همه مهمتر جامعه اش کرده بود. زبانی سرخ و صریح داشت و همین باعث گرفتاریش شد. فرزند مادر را در حد پرستش دوست داشت. هم مادر خویش هم مام میهن خاک پاک کردستان این مادر بی

به راستي مقصر كيست ؟

خبرگزاري فارس ۱۳۸۶/۹/۳۰ : مخبر کمیسیون آموزش مجلس در گفت وگو با فارس هنوز گرم کننده مدارس روستاهای استان فارس، چراغ علاءالدین است در فصل زمستان با این سرمای فوق العاده هر لحظه امکان دارد دوباره این دانش آموزان مدارس فارس در معرض چنین خطراتی قرار بگیرند آن موقع باز هم باید تقصیر به گردن وزارت نفت خواهید گذاشت؟؟؟

این کمبودها سالیان هست که بوده هر کسی هم که روی کار آمده يك سري وعده و عید ها ي عوام فریبانه داده ولي واقعا در دوران صدارت کدام يك از همین آقایان اندك توجهي هم به قشر محرومدانش آموزان فرهنگیان شده ؟؟

و وضعیت آموزش و پرورش کشورمان با سایر کشورها به قدری فاصله دارد که گویی ما در قرن گذشته به سر می بریم همین امسال تعداد زیادی از کودکان ایران در مقطع ابتدایی ترك تحصیل کردند این يك فاجعه است يك بلای خانمان سوز است که این گونه همین گریبانگیر نسل جوان و آینده ساز مان گشته ولي سوال جدي با ز این جا است که اگر نظیر این حادثه بازهم تکرار شود چه کسی پاسخگو است ما فقط این را می خواهیم بدانیم؟؟؟



خبرگزاري فارس: وکیل ۸ دانش آموز سوخته درودزني گفت: از آموزش و پرورش و نوسازي مدارس استان شکایت شده است و منتظر رأي دادگاه هستيم.

لازم به توضیح نیست از روی عکس عمق فاجعه کاملاً مشخص شده است در عصر تکنولوژی در کشور



ثروتمندی مانند ایران فرزندان دانش آموزان در اثر نداشتن وسایل گرمایشی مناسب این گونه تمام زندگیشان به تازاج رفته جز در د ورنج برای این نونهالان چیزی باقی نمی ماند مگر این اتفاق سال گذشته روی نداد ؟ یکسال از ان زمان گذشت و در حالیکه ۸ تن از این عزیزان در اثر کمبود امکانات گرمایشی در مدرسه طعمه حریق شدند ولي بعد از گذشته یکسال از این حادثه تلخ در حال حاضر آنها در شرایطی هستند که حتی خانواده شان از پس خرج دوا و درمان آنها هم بر نمی آیند. دستها و صورت قشنگشون در آتش سوخت والیته عمر و جوانی آنها نیز سوزانده شد فقط و فقط به خاطر منفعت طلبی دولتمردان و کسانی که فراموش کرده اند هدف از رسیدن آنها به منصب ریاست پرکردن جیب خودشان نیست بلکه مسئولیت پاسخگویی به جامعه است .

لطفاً به مضمون این خبر توجه کنید :

مقاله: با استعفاء فرشیدي چه تغيير حاصل شد ؟

يا برکناري اظهار داشت: «اگر حتي رئيس جمهوري براي حفظ حرمت افراد به آنها گفته باشد که "من نمي توانم ديگر با شما کار کنم چرا که انتظارات مرا برآورده نکردید و بهتر است استعفا دهید" هم به نظر من از لحاظ مديريتي کار بدی نیست. هرچند من نمي توانم قاطعانه بگویم که این اتفاق افتاده است.»

۳. و اما بشنويد از يکي از همکاران وب لاگ نويس

چندروز پيش بود که نمايندگان بعضي از کانونهاي صنفی با نمايندگان گروه اقليت اصلاح طلب مجلس کنونی ديدار و گفتگو داشتند که در آن از مشکلات معلمان و آنچه بر آنها رفته بود و مسائل آموزشی سخن بين طرفين رفته بود. این دیدار احتمالا برای حاميان دولت می تواند گران از کار درآید. زیرا کانونهاي صنفی معلمان در جريان اعتراضات سال گذشته خود قدرت نفوذ خود را بين معلمان را به رخ احزاب سياسي جامعه کشيد. این قدرت نفوذ می تواند برای احزاب سياسي مهم تلقی شود چرا که جمعيت ميليوني معلمان می تواند سهم بزرگی در انتخابات آینده مجلس داشته باشد. احتمالا حاميان دولت و شخص رئيس جمهور برای اینکه بتوانند این قدرت را به سمت خود جذب کنند سعی در دست آوردن دل معلمان و نمايندگان آنها دارند. لذا با تعويض وزير سعي در انداختن تمام مشکلات و مسائل بوجو دآمده در دوران وزارت آقای فرشیدي بردوش ايشان دارد و خود را از آن مبرا کند. بنابراین چه چیزی می تواند از این بهتر باشد که با یک سنگ دونشان زده شود هم با تعويض وزير سعي می شود تابان تزيق سياستهاي آرامبخش و موقت قشر عظيم معلمان را همراه خود کند و در انتخابات از آن بهره برداري شود و هم با آوردن آقای علي احمدی، که با ساختار و اهداف فعلی دانشگاه پیام نور آشنا هست، سعی در استفاده از فضاهای آموزشی این وزارت خانه در راستای جبران کمبود فضای آموزشی پیام نور کند تا بتواند به اهداف خود در ارتباط با دانشگاه آزاد برسد. با این حال نباید از این نکته غافل بشویم که آقای فرشیدي و معاونانش نتوانستند با جامعه معلمان و اصناف آنها تعامل خوبی داشته باشند. آنها فکر می کردند برای همیشه در این مسند خواهند ماند و با عملکرد غلط خود و تحقیر

ما معلمان بارها خواهان استيضاح این وزير نالایق شدیم و از مجلس خواستیم که در بررسی استيضاح وزير آموزش و پرورش، هرگونه ملاحظه کاری را کنار بگذارند و از حقوق فرهنگيان که از سوي مديريت ناکارآمد آموزش و پرورش نادیده گرفته شده، دفاع کنند.

ما از دید و نگاههاي مختلف این موضوع را بررسی کردیم

۱. تفسیر از استعفاي فرشیدي به نقل از شیرزاد

عبداللهی

از آنجایی که شخص معرفی شده به جای آقای فرشیدي آقای علي احمدی رئيس دانشگاه پیام نور هست. در زمان ریاست آقای احمدی دانشگاه مذکور از توسعه کمی زیادی برخوردار شده است بطوري که در هر شهر و روستایي این دانشگاه شعبه ای دایر کرده است. این توسعه کمی دانشگاه را با کمبود امکانات و فضای آموزشی مواجه کرده است. این دانشگاه برای توسعه کمی خود (که در رقابت با دانشگاه آزاد و برآورده کردن خواسته های رئيس جمهور برای مقابله با این دانشگاه هست) نیاز به استفاده از فضاهای آموزشی این وزارت خانه دارد، لذا این احتمال وجود دارد که این تغییر و تحول در وزارت آموزش و پرورش در جهت تحقق این هدف صورت گرفته هست. این نکته اولین تفسیری بود که در ذهنم شکل گرفت و بلافاصله دبیرستانها و مراکز آموزشی در ذهنم تداعی شد که مرکز آموزشی پیام نور در ساعات تعطیلی خود شده اند و این همان سیاستی هست که دانشگاه آزاد در اوایل تاسیس اش از آن استفاده کرد.

۲. تفسیر دیگر را يکي از نمايندگان مجلس از این موضوع

داشته. ما توجه شما را به نکاتی که يکي از نمايندگان در ارتباط با این استعفا بيان کرده مبذول میداریم

این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس اضافه کرد: «فرهنگیان مشکل دارند. این مطالبات بخشی مربوط به معلمان حق التدریسی بوده است. آقای فرشیدي چندین بار وعده داد که این مطالبات پرداخت می شود و به دو ماه و سه ماه آینده موکول کرد متاسفانه محقق نشد و از این جهت در برابر فرهنگيان بدقول شد.»

این نماینده اصولگرای مجلس هفتم در پایان در خصوص اینکه آیا کنار رفتن وزير آموزش و پرورش استعفا بوده است

مقاله :با استعفاء فرشيدي چه تغيير حاصل شد ؟

از خدمت، کسر حقوق، غیبت، کاه... شگروه شغلي، بازنشستگی زود هنگام و.... (روبروشده اند، مگر گناه آنان چه بود ؟

۶. چرا در این دوران نهادهای صنفی نظیر کانون های صنفی معلمان به رسمیت شناخته نشد و بعد از اعتراضات سال گذشته این نهاد در مدارس غیر قانونی اعلام شد و به راستی و چه کسانی تلاش کردند و مسبب آن بودند که این انسجام و هماهنگی را در میان فرهنگیان کم رنگتر گردد؟

از ابتدای روی کار آمدن فرشيدي بسياري به نا کارآمدی و نا توانی و عدم مدیریت او اذعان داشتند و میدانستند که برای آموزش و پرورش تجربه خوبی نخواهد بود

اما سوال این جا است که اگر فرشيدي نمی توانست این وزارتخانه را اداره کند و کارآمدی مطلوب را نداشت چرا ۶ ماه استیضاح وی مطرح بود و بازهم دولت از او دفاع کرد تا رای اعتماد بیاورد!!!!!! ولي سرانجام کنار رفت

و این روز ها این احکام ناعادلانه را برای معلمان همدان صادر کردند یکی از این معلمان حکم گرفته آقای جلیلیان میباشد

او یکی از معلمان همدانی است، که در ۶ آذر در مجلس به عنوان نماینده تشکیل شرکت کرده بود و به نتایج دیدار با نماینده گان هم امید بسیار داشت ولی کو از حرف تا عمل؟

در این خصوص یعنی بحث استعفاي وزير به نالایقي یا لایق بودن و کفایت و یا عدم کفایت برنمیگردد ، البته که باید هرکس پاسخ نالایقي های خود را به مردم بدهد و جای هیچ شکي نیست که فرشيدي هم مستثنی نیست ولی موضوع را باید در جای دیگر کند و کاو کرد چرا که سوال این است با استعفاء فرشيدي چه تغییری حاصل شد ؟ آیا احکام ناعادلانه برای فرهنگیان متوقف شد یا این که با شدت بیشتری رو به افزایش است چرا ؟؟؟ چون فرشيدي يك فرد است هرچند با کارنامه ای سیاه مردودی ولی بعد از این مدت باید اطمینان داشت جابجایی افراد دردی را دوا نمیکند و باید دیکته کنندگان را دریافت که ریشه همه این مشکلات و نا بسامانی ها از آن نشأت میگیرد و بس...

آنها فکر می کردند برای همیشه در این مسند خواهند ماند و با عملکرد غلط خود و تحقیر جامعه فرهنگی خاطره ای خوبی از خود بر جای نگذاشتند؛ لذا امروز کسی از رفتن فرشيدي دلگیر نیست حتی در طیف کسانی که حامی دولت هستند

نتیجه گیری از این بحث:

اما چرا های بسیاری در مورد عملکرد این وزیر و جود دارد که به ترتیب شامل :

۱. چرا در دوران وزارت این وزیر سازماندهی لازم در وزارت آموزش و پرورش صورت نگرفت؟ چرا بازسازی و نوسازی مدارس و احیای معاونت پرورش و تعلیق احکام قلع و قمع به اجرا در نیامد؟

۲. چرا در دوران وزارت فرشيدي برنامه مدونی برای اداره آموزش و پرورش ارائه نشد و همینطور تدوین سند ملی آموزش و پرورش که تعیین کننده جایگاه این وزارتخانه بود، مسکوت مانده بود و همین طور در خصوص صندوق ذخیره فرهنگیان باید در این مرحله به جریان گذاشته شود گذاشته نشد؟

۳. چرا در این دوران حداقل ۱۰ میلیارد تومان از پول ذخیره فرهنگیان به جیب واسطه رفته است؟ سرمایه چند صد میلیاردی به خاطر بی ثباتی در مدیریت، مدیران غیرمتخصص، فقدان نظارت اعضا و نبود ضوابط و مقررات شفاف برای انجام معاملات، صندوق ذخیره فرهنگیان را به هدفی آسان برای کارچاق کن ها، دلالان حرفه ای و رانت خواران و زمین خواران تبدیل کرده است در حالیکه فرهنگیان سالها است در انتظار سر پناهی هستند و در حال حاضر ۴ الی ۵ سال است که حتی يك ریال از محل معوقه ها و یارانه ها ی مسکن دریافت نکرده اند ؟

۴. در این دوران کسری بودجه از این وزارت خانه معادل ۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان که بود که باید فرشيدي این کسری بودجه را سریعاً تأمین میکرد ولی سوال این جا است که چرا فرشيدي این کسر بودجه را از جیب ضعیف ترین قشر فرهنگیان یعنی نیروی حق التدریسی می پرداخت ؟

۵. چرا در دوران این وزیر فرهنگیان در پی اعتراضات صنفی با هرگونه حکم قطعی مانند: (تبعید، انفصال